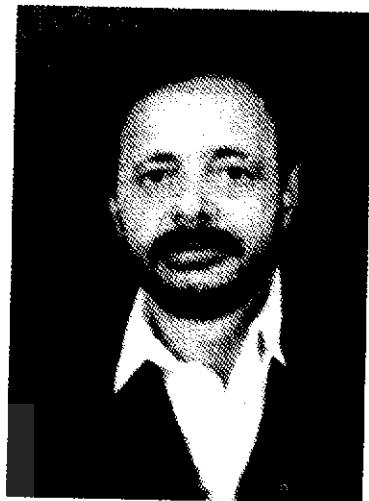




گفتگو با استاد

## عبدالسلام بن عباس الوجیه

از نویسندگان و پژوهشگران زیدی یمن



استاد عبدالسلام بن عباس الوجیه در چهارم رجب سال ۱۳۷۶ق/۱۹۵۷م، در شهاره یمن دیده به جهان گشود و پس از پشت سر گذاشتن دوران صباوت، در حلقه درس جمعی از مشایخ آن شهر حاضر گردید و سپس به شهر صنعا عزیمت نمود. وی در آن شهر به تکمیل تحصیلات خویش پرداخت و در سال ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م، از دانشگاه صنعا فارغ التحصیل شد.

وی فعالیت اسلامی خود را همزمان با اداره مجله الحراس آغاز کرد و سپس در تأسیس دارالتراث یمنی مشارکت نمود. این مؤسسه فعالیت‌های زیادی برای جذب جوانان علاقه‌مند به فعالیت‌های پژوهشی در زمینه تحقیق مؤلفات خطی زیدیه انجام داد.

عبدالسلام الوجیه از مؤسسان اولیه حزب خلق و روزنامه الأمة بود. او مقالات اجتماعی خود را در این روزنامه به رشته تحریر در می‌آورد و در آنها به خطرهایی که یمن را مورد تهدید قرار می‌داد، اشاره می‌نمود و در الجامع الکبیر صنعا و مدرسه عالی دارالعلوم به تدریس می‌پرداخت. وی کتابهای اعلام المؤلفین الزیدیه، مصادر التراث الاسلامی فی



مکتبات الیمن الخاصة، معجم الرواة فی أمالی المؤید بالله، معجم رجال الاعتبار و سلوة العارفين، جنایة الاکوع علی العلم و العلماء، من أعلام النساء و صدی الأمة را به رشته تحریر درآورده و به تحقیق کتابهای الطبقات الكبرى، الأمالی الصغری، الاعتبار و سلوة العارفين و المصاییح الساطعة پرداخته است.

او هم اکنون در الجامع الكبير صنعا به تدریس اشتغال داشته و به پژوهش و تألیف مبادرت می نماید. همچنین در سالهای اخیر به عنوان مدیر پژوهش مؤسسه فرهنگی امام زید بن علی به فعالیت علمی می پردازد. این مؤسسه، با تلاش در خور توجه، دهها کتاب و اثر زبده را برای اولین بار تحقیق و منتشر نموده است.

ایشان، اخیراً، به ایران مسافرت نموده و ضمن بازدید از مرکز تحقیقات دارالحدیث در مصاحبه ای که با وی به عمل آمد، به پرسشهایی درباره حدیث و علوم حدیث در زبده پاسخ گفت.

اینک مشروح مصاحبه با ایشان - که توسط آقایان حجة الاسلام والمسلمین محمد کاظم رحمان ستایش و سیدعلی موسوی نژاد انجام شده است - به حضور خوانندگان عزیز تقدیم می گردد.

در پایان یادآور می شود پاره ای از دیدگاههای ارائه شده براساس باورهای زبده است که مورد قبول امامیه نیست؛ مانند اینکه صاحبان اصول اربعه را زبده معرفی می کند و...

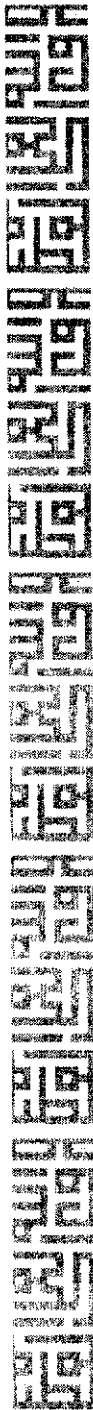
### علوم حدیث

سید علی: روش خود را در تدریس حدیث در دوره های آموزشی

حوزه علمیه توضیح دهید. برای تدریس حدیث، متن احادیث

و علوم حدیث از چه متونی استفاده می نماید؟

● بسم الله الرحمن الرحيم، اهتمام ما به حدیث به گذشته ای دور در تاریخ باز می گردد. به اعتقاد ما اولین کتاب حدیثی را امام زید بن علی (ع) تألیف نموده



است. این کتاب مجموعه‌ای حدیثی - فقهی است که هم شامل احادیث است و هم در برگیرنده برخی از نظریات فقهی. این کتاب - که به مسند الإمام زید بن علی (ع) معروف است - یکی از اولین کتابهای حدیثی موجود در نزد ماست. درباره تدریس احادیث باید گفت که ما ابتدا از کتابهای احادیث کوچکی که در قالب چهل حدیث عرضه شده و مربوط به موضوعاتی چون فضایل، اخلاق و... است، شروع نموده، به تدریج به کتابهای بزرگ حدیثی می‌پردازیم. احادیث مورد تدریس، احادیث فقهی و غیر فقهی است.

**سوال:** یعنی در واقع، یکی از موارد درسی که طلاب فرا می‌گیرند متون احادیث است؟

● بلی، ما اهتمام زیادی به تدریس متون داریم، قبل از آنکه اسناد حدیث را بررسی کنیم.

ما قاعده‌ای داریم که مطابق آن، هرگاه متن حدیثی، صحیح بوده و با کتاب خدا - سبحانه و تعالی - تعارضی نداشته و با اصول عقلی سازگار بود، به سندش اهمیت نمی‌دهیم؛ رجال حدیث هر که بودند باشند. اساس، همان متن حدیث است. این یکی از قواعد مهم حدیثی ماست.

حدیث، به اعتقاد ما، در درجه اول، قول، فعل و تقریر رسول خدا (ص) است. ما برای صحیح و مقبول دانستن احادیث، قواعد و اصولی داریم که عبارت‌اند از:

قاعده اول، احادیث روایت شده از طریق آل‌البیت بر غیر آنها مقدم است. بنابراین، احادیث مروی از امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب یا فرزندان او یا شیعیان آن حضرت بر سایر احادیث تقدم دارد.

قاعده دوم، کلام یا قول امیرالمؤمنین، هرگاه ثابت شود که از ایشان صادر شده، حجت است.

بنابراین، قول ایشان در بسیاری از اوقات بر نصوصی که صدورش ثابت



نیست، و بر خبرهای واحدی که درباره بعضی از امور است، برتری دارد.  
 قاعده سوم، اجماع آل البیت (ع) حجت است.

قاعده چهارم، از دیدگاه ما صحابه کسانی هستند که پیامبر (ص) را شناخته، به او ایمان آورده و به پیروی اش پرداخته تا آنگاه که از دنیا رفته اند. بنابراین، تعریف ما از صحابه با تعریف اهل سنت اختلاف اساسی دارد. ما کسانی را که از فرمان رسول خدا (ص) سرپیچی کرده اند و نیز کسانی که فسقشان ثابت شده از شمار صحابه خارج می دانیم. همچنین اند تمامی کسانی که مخالفت علنی آنها با امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و نیز جنگ آشکارشان با وی به اثبات رسیده است. اگر ثابت شود که کسی سابقه ای در اسلام نداشته و یا در برهه ای منافقانه زیسته یا چیزی علیه او باشد، او از صحابه دانسته نمی شود.

ما معتقد به عدالت صحابه نیستیم. ما معتقدیم که صحابی بشر است و امتیاز خاصی برای او قایل نیستیم؛ یعنی حدیث او و آنچه از وی نقل شده، قابل نقد است؛ هر چه باشد و هر که باشد؛ زیرا قرآن صریحاً به ما می آموزد - علاوه بر آنکه در میان صحابه دهها منافق یافت می شود - : «وَمَنْ حَوْلَكُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ»<sup>۱</sup>.

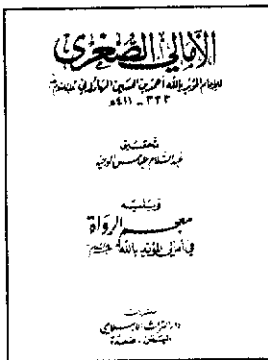
به عبارت دیگر، در تعریف ما آنان که فسقشان ثابت شده، غیر مقبول بوده و جزء صحابه نیستند؛ مثلاً مغیره بن شعبه، معاویه، عمر و بن عاص، ... و کسانی که مخالفتشان با رسول خدا مسلم است و احیاناً با اسلام جنگیده اند، در عداد صحابه نیستند.

عجیب: مصادر حدیثی شما کدام است؟

● مصادر حدیثی ما بسیار است. اولاً مسند الإمام زید بن علی نزد ماست و به دنبال، آن امالی امام احمد بن عیسی بن زید بن علی که



مجلس



العلوم (علوم آل محمد (ص)) نامیده می شود.  
این امالی را محمد بن منصور مرادی جمع آوری نموده است.

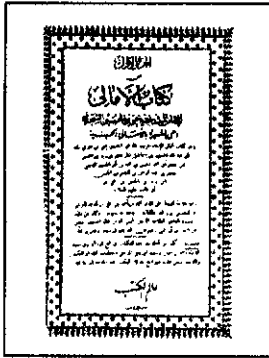
همچنین از مصادر حدیثی، از خود محمد بن منصور مرادی کتاب الذکر نزد ماست و نیز بالغ بر سی کتاب دیگر از محمد بن منصور

مرادی را امام الحافظ ابی عبدالله علوی در کتاب الجامع الکافی جمع آوری کرده است. او صاحب کتاب الاذان بحی علی خیر العمل است.

در این کتاب [الجامع الکافی] بسیاری از احادیثی که در کتب ائمه ما وارد شده و روایاتی که مورد استشهاد ائمه ما واقع شده وجود دارد و نیز روایاتی که در مجامع ایشان وارد شده، علی الخصوص امام قاسم بن ابراهیم و فرزندش، محمد بن قاسم و نوّه او امام هادی یحیی بن حسین و فرزندان امام هادی همچنین، در آن کتاب جمعی از احادیثی که از امام ناصر اطروش نقل شده، گردآوری شده است.

همچنین مجموعه ای از احادیثی که در کتاب التحریر از امام الناطق بالحق یحیی ابن حسین هارونی و نیز در الامالی الصغری از امام المؤید بالله احمد بن حسین هارونی و کتابش، التجرید و شرحش (شرح التجرید) نقل شده، وارد شده که شامل احادیث نغز و نیکویی است. به علاوه، امام الموفق بالله حسین بن اسماعیل جرجانی کتابی به نام الاعتبار و سلوة العارفين دارد که در آن بسیاری از احادیث در موضوع ترهیب و ترغیب وارد شده است.

و نیز فرزندش امام المرشد بالله یحیی بن حسین دو امالی به نامهای الامالی الخمیسیة و الامالی الإثنینیة دارد که از میان آن دو،



الامالی الخميسية معروف به الامالی الشجرى چاپ شده و الامالی الإثنيية در شرف چاپ است .

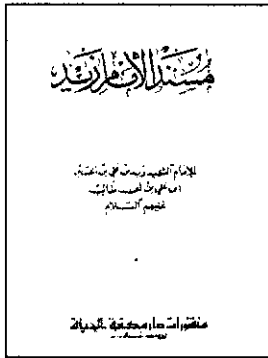
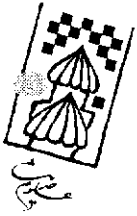
همچنين بسيارى از احاديث وارد شده از نصوص ائمه ، در كتاب درر الاحاديث النبوية في الاسانيد اليعقوبية گردآوري شده است . اين احاديث از طريق

امام هادى بن حسين نقل شده است . بدين گونه ، برخى از احاديث در مستدى به نام مستند شمس الاخبار به وسيله حميد القرشى جمع آوري شده است .

**سؤال:** آيا زبديه موسوعه هاى براى احاديث تدوين نموده اند؟ اماميه موسوعه هاى حديثى اوليه و ثانويه اى تدوين نموده اند كه ما در حال حاضر از آنها برخورداريم ، ولى مع الاسف موسوعه اى كه تمامى احاديث زبديه در آن گردآوري شده باشد ، سامان نيافته است . آيا چنين موسوعه اى در حال حاضر در زبديه وجود دارد؟

● علامه محمد بن حسن العجبرى چندينى است احاديثى را كه به اعتقاد وى صحيح است ، جمع آوري نموده است . وى آنچه را كه صحيح انگاشته و موافق با طريقه اهل بيت دانسته جمع آوري نموده و نام آن را الصحيح المختار ناميده است . اين كتاب در چهار جلد بزرگ است و از كتابهاى احاديث زبديه فراهم آمده است ، اما تاكنون به چاپ نرسيده است ؛ البته گزيده اى از آن توسط محمد بن يحيى بن حسين الحوثى در كتابى تحت عنوان الصحيح من الصحيح به چاپ رسيده است .

بايد گفت كه تاكنون تصميمى نسبت به جمع آوري تمامى احاديث زبديه



در موسوعه معینی اتخاذ نشده است. ما تاکنون پیوسته در پی نشر مصادر اصلی بوده ایم؛ زیرا بسیاری از آنها در گنجینه ها و صندوقچه ها محبوس بوده اند و به طبع نرسیده اند و ما از چاپ آنها ناتوان بوده ایم.

هرگاه تمامی این کتابها منتشر شود، در صدد آن خواهیم آمد که به تولید موسوعه ها و یا چیزهایی شبیه آن پردازیم.

عجیب: از المجموع حدیثی و مسند الإمام زید نام بردید. از قرار معلوم، درباره این کتاب دیدگاههای مختلفی وجود دارد. برخی معتقدند که این کتاب همان المجموع فقهی است و بخشی از آن نیز حدیثی بوده که منتشر نشده است. بعضی نیز قایل اند که المجموع حاضر هر دو بخش را در برمی گیرد. آیا مسندی که در حال حاضر موجود است، شامل هر دو بخش است یا بخش حدیثی آن از بین رفته است؟

● این کتاب شامل هر دو مجموعه است؛ مجموعه ای حدیثی و مجموعه ای فقهی که احادیث را امام زید بن علی از پدرانش از رسول خدا (ص) نقل کرده و نیز برخی از نظریات فقهی او را در برمی گیرد. پس این کتاب، مجموعه ای فقهی و حدیثی توأم است.

عجیب: روش تعامل شما با اخبار متعارض چگونه است؛ ترجیح به راویان یا ...؟

● ما اولاً آنها را بر محکومات کتاب خدا عرضه می نماییم. پس آنچه موافق قرآن



بود، مقبول دانسته و آنچه موافق نبود، به کناری می نهیم. باید گفت که ما اخبار متناقض زیادی نداریم.

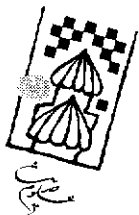
کتابهای ما سرشار از دقت و نکته سنجی است. از آنجا که در کتابهای ما ترجیح حکمفرماست، یا از آنجا که نویسندگان به روش نقد متن حدیث روی آورده اند، بسیاری از احادیث، از تعارض عاری شده است تا آنجا که کتابهای ما از بسیاری از احادیثی که احیاناً با عدل، منطق، محکمات آیات قرآن و اصول کلی دین اسلام در تعارض است، پیراسته است.

در کتابهای ما احادیث تشبیه، تجسیم، رؤیت و اسرائیلیات یافت نمی شود و کمتر اتفاق می افتد که به مانند این احادیث برخورد نماییم، یا بسیار به ندرت ممکن است حدیثی بیابیم که با دیگری در تعارض باشد. آنگاه که تعارضی در دو حدیث پیدا شود، از ترجیح بهره می گیریم و به قرینه ها استدلال می نماییم و عالم مجتهد درباره آنها به تحقیق می پردازد و سپس به روش معینی به تعارض فیصله داده، آنچه درست می پندارد، ترجیح می دهد. پس تعارض زیادی یافت نمی شود؛ یعنی در اینجا کتابهای ما این امتیاز بزرگ را دارند؛ زیرا نویسندگان به نوشتن کتب حدیثی روی نیاورده اند، مگر آنکه آنچه نوشته اند بر کتاب خدا و اصول کلی مورد قبول نزد ما عرضه داشته اند.

عجیب: آیا شما در علوم حدیث نقشی برای علم رجال قایل هستید؟

● در علوم حدیث، علم رجال نقش دارد. در اینجا باید به مطالبی اشاره نمایم. بسیاری از کسانی که در علم رجال دست به تألیف زده اند و بسیاری از رجالیان و اصحاب رجال زیدی بوده اند. بسیاری از اصحاب اصول اربعه‌ا - که کتبشان جمع آوری شده است؛ آنهایی که در این زمینه بر آنها اعتماد نموده اید - از زیدیه بوده اند. بنابراین، علم رجال از دیدگاه زیدیه در علوم حدیث نقش دارد. سابقاً



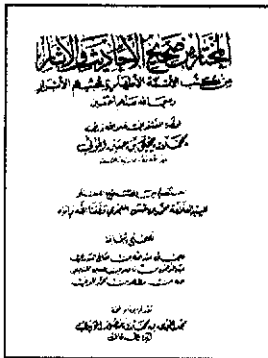


در میان زیدیه کتبی نوشته شده که در آنها اسامی راویان پیرو امام زید بن علی درج گردیده بود. همچنین کتابهای متفرق دیگری نیز نوشته شده که به دلیل مهاجرت زیدیه - که به دلیل بروز جنگ رخ می داد - از میان رفته اند؛ به طوری که در حال حاضر هیچ یک از آن کتابها در دسترس نیست. از آنجا که مطالب کتابهای رجالی ما به میان اغلب مصادر اهل سنت و غیر اهل سنت راه یافته است، کتابهای ما از بین رفته تلقی نمی شود؛ زیرا با استخراج مطالب خویش از بین کتب ایشان می توانیم روشهای خویش را بشناسانیم که مثلاً دیدگاه ما درباره حدیث ولایت و دیگر مطالب چیست.

البته الان بعضی از مصادر اصلی ما یافت نمی شود و به گفته برخی از علمای زیدیه مؤلفان کتب حدیثی آنها را سوزانده اند، حال دلیل آنها چه بوده است، آیا از خوف دولت بوده یا دلیل دیگری داشته نمی دانم. بسیاری از مصادر و مؤلفات قدیمی که اختصاصی به رجال در زیدیه داشته و پیش تر از آنها یاد شده داشت، در دورانهای گذشته نوشته شده، ولی هیچ گاه مطلبی از آنها نقل نشده است.

شما می دانید که کتابهای معتزله در سراسر سرزمینهای عربی پراکنده بوده، ولی کسی اهتمامی نسبت به حفظ آنها به عمل نیاورد، مگر ما که در یمن از آنها مواظبت نمودیم. این نشانگر اهتمام ما به این عمل در برهه ای از زمان در قرن هفتم است.

بسیاری از مباحث رجالی و کتب رجالی نزد ما موجود است. برخی از این کتابها عبارت اند از: کتاب الفلک الدوار ابراهیم بن محمد وزیر - که نام بالغ بر ۱۲۰ شخصیت رجالی شیعی در آن ثبت است -، نزهة الانظار ابن حمید و الطبقات الکبری از سید ابراهیم بن قاسم بن المؤید بالله محمد بن القاسم بن محمد الشهاری. کتاب الطبقات الکبری شامل سه بخش است: بخش اول، صحابه که هم صحابی بوده اند و هم از یاران امیرالمؤمنین به شمار می آمدند.



بخش دوم، تابعان که شامل زندگینامه هفت هزار محدث تا قرن پنجم هجری است. (بخش اول و دوم مخطوط است)؛ اما بخش سوم - که چندی قبل با تحقیق من به چاپ رسیده است -، شامل محدثان و روایانی است که احادیث را از اصحاب ائمه ما روایت کرده اند. این روایان مربوط به قرن پنجم تا عصر مؤلف، بعضی قرن یازدهم است.

**سؤال:** بخش اول و دوم کی به چاپ می رسد؟

● بخش اول و دوم الان در حال حروفچینی رایانه ای است و به زودی - ان شاء الله - تحقیق آنها آغاز می گردد.

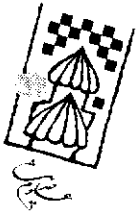
**سؤال:** چرا از بخش سوم آغاز کردید؟

● چون بخش سوم، بخش بسیار مهمی بوده، لذا از آن بخش شروع کردیم. بیشتر کسانی که نامشان در دو بخش اول و دوم آمده، در کتابهای حدیثی یا رجالی، خواه نزد شیعه دوازده امامی یا اهل سنت و یا دیگران، از آنها یاد شده است؛ اما در بخش سوم به یاد کرد کسانی پرداخته شده که پیش تر کسی از آنها ذکری به میان نیاورده و کسی به نام آنها اشاره نکرده است، در نتیجه ما این رجال را بر دیگران مقدم داشتیم.

**سؤال:** لطفاً درباره اعتبار احادیث نقل شده از سوی امامیه و

یا از سوی اهل سنت توضیح دهید:

● ما قواعد و مبادی مشخصی داریم و به احادیثی که مورد اتفاق تمامی فرق اسلامی است، عمل می نماییم. مثلاً به حدیثی که در تمامی مصادر مورد اعتماد



فرقه های اسلامی وارد شده و تمامی ایشان بر اعتبار آن اتفاق نظر دارند، عمل می نمایم. در میان مجموعه های حدیثی، احادیثی یافت می شود که اختصاصی برخی از فرقه های اسلامی است و دیگران آن را قبول ندارند. ما نیز به این احادیث و قعی نمی نهیم. نیز هرگاه احادیثی معین با اصول مورد پذیرش ما و مبادی ما در تعارض باشد، بدانها عمل نمی نمایم، اگرچه در فرقه ای که آن را نقل نموده، جزو مسلمات باشد.

عروج: زیدیه در عمل چقدر متأثر از حدیث اهل سنت و امامیه است؟

● این که می فرمایید چقدر متأثر است، باعث رنجش خاطر من می شود. من می خواهم بگویم که مصادر امامیه و مصادر اهل سنت سرشار از احادیثی است که محدثان زیدیه نقل کرده اند. به کتابهای اهل سنت، کتاب الکافی کلینی و سایر کتابهای حدیثی خود نگاه کنید.

می بینید که نویسندگان آنها به محدثان زیدی اعتماد داشته اند. ما اثر گذاشته ایم، ولی تأثیر نپذیرفته ایم. این مطلب اول و مطلب دیگر آنکه ایرادی ندارد که ما متأثر از دیگر مذاهب باشیم و از آنها حدیث اخذ نموده باشیم. تمامی آنچه نزد تمامی فرق صحیح است، ما آنها را اخذ کرده و بدانها عمل می کنیم. مطلب مهمی که من می خواهم بدان اشاره کنم آن است که بخش زیادی از سنت رسول خدا (ص) مورد اتفاق تمامی مسلمانان است و آن دسته از احادیثی که اختصاصی یک فرقه است و موافق قواعد ماست، یعنی پس از عرضه بر کتاب خدا و سنت رسول قابل پذیرش است، مورد قبول ماست و آنچه مطابق نیست، مقبول ما نیز نیست.

عروج: سؤال را این گونه تکمیل می کنم. من قصد خرده گیری بر شما ندارم، بلکه درباره احادیث شما، حدیث زیدیه، گفت



و گو می کنیم بدین جهت که شما احادیثتان را از مصادر اهل سنت استخراج می کنید و از مصادر ایشان تأیید بر نظریات خویش اخذ می نمایید.

● من در این رابطه می خواهم به نکته ای تأکید نمایم. بسیاری از علمای ما که به احادیثی از کتابهای اهل سنت (صحاح سته و ...) یا کتابهای غیر اهل سنت استشهاد کرده اند، هدفشان این بوده که بفهمانند که مذهب زیدیه مذهبی اصیل است و آنها پیرو واقعی اسلام صحیح اند و این تنها طریقه ای که از سنت رسول خدا تبعیت می نماید. آنچه نزد ماست و در کتب ماست و آنچه مربوط به ماست و آنچه که ما در عقیده خویش از آن تبعیت می کنیم، نزد شما موجود است. به دیگر سخن آنکه، علمای ما احادیث بسیاری را از اهل سنت نقل نموده اند تا صحت عقیده خویش و آنچه از ائمه ما رسیده است، به اثبات برسانند. اما در دوره اخیر کسانی پیدا شده اند که بین صحیح و غیر صحیح فرقی قایل نشده، صحیح و ناصحیح را مخلوط نموده اند. در حالی که کتب اصلی ما و آنچه که در احادیث فقهی و غیر فقهی اصیل است، مشهور و متداول بوده و به وسیله آنها می توان تشخیص داد که چه چیزی اصیل و چه چیزی دخیل است.

عجیب است: ما در قرون اخیر گرایشی را در زیدیه مشاهده می کنیم؛ مانند مدرسه شوکانی که سعی دارند به اهل سنت نزدیک شوند.

● اینها جزء همان گروهی اند که گفتیم. آنها به نام اجتهاد در این دایره (مخلوط کنندگان صحیح و ناصحیح) داخل شده اند و شروع به اجتهاد نموده، احادیث را از مصادر اهل سنت استخراج کرده و به احادیث آنها مانند مصادر اساسی خویش اعتماد نموده اند و فرهنگ رسیده از سوی اهل بیت را به بوته فراموشی سپرده اند؛ فرهنگی که پیشوایانی قدیم ما بدان معترف و معتقد بوده اند. آنها این روش را



مورد تجاهل قرار داده اند. ما از اینها به گروه متسنن تعبیر می کنیم و معتقدیم که آنها از خط زیدی اصیل - که همان خط اهل بیت (ع) است - خارج شده اند.

ع: پس بنابراین، ما نمی توانیم نیل الاوطار شوکانی را از کتب زیدیه بدانیم.

● نه نیل الاوطار و نه تلخیص آنچه مربوط به شوکانی است - که برخی از آنها اساساً از کتابهای اهل سنت نقل شده و از آنها استخراج شده اند - ، هیچ کدامشان مورد اعتماد و معتبر در زیدیه نیست.

ع: آیا شما به دانشهای نوین حدیثی نیز روی آورده اید ؛ دانشهای نوین یا روشهای جدید در دانش حدیث؟

● با تأسف باید گفت که همچنان بر همان روشهای تقلیدی گذشته هستیم. دانشهای حدیثی ما بر پایه قرائت کتابهای حدیثی معین و آموزش بعضی از قواعد مصطلح در حدیث است و نوآوری چشمگیر جدیدی صورت نگرفته است. در دانشگاه به تدریس حدیث می پردازند ؛ اما این تدریس بر آن روشی که مورد پسند ماست مبتنی نیست، بلکه بر پایه روشهای پیشگفته است. اهم روشهای زیدیه، عرضه احادیث بر کتاب خدا، تعریف خاصی از صحابه و عقیده خاص در روایات اهل بیت است. امیدوارم که در آینده - إن شاء الله - روشهای جدیدی در آموزش حدیث ایجاد شود.

ع: آیا دانشگاههای یمن فارغ التحصیلانی در رشته حدیث داشته اند؟ یا دانشکدههای حدیثی دانش آموختگانی داشته اند؟

● فارغ التحصیلان دانشگاهها، دانش آموخته دانشگاههای سلفیه یا امام محمد بن سعود هستند؟ اما دانشگاههای یمن دانش آموخته متخصص در حدیث نداشته



است. به زودی آموزشکده اختصاصی در حدیده تأسیس می شود و نیز دارالمصطفی در حضرموت و دانشکده احقاف در صدد تأسیس رشته حدیث است؛ لکن در حال حاضر - که ما در ابتدای کار هستیم - فارغ التحصیلان معروف و متخصص در علم حدیث نداشته ایم.

**عجیب:** با توجه به آنچه شما بدان اشاره کردید - **إن شاء الله** - برنامه های جدیدی در موضوع حدیث خواهید داشت. یکی از بهترین کارهایی که می توان بدان پرداخت خارج ساختن گنجینه های مخطوط از ورطه نابودی و عرضه نوین آنهاست. برنامه دیگر، تدوین موسوعه ای برای جمع آوری احادیث زیدیه است. آیا شما در مؤسسه امام زید بن علی یا به شکل گسترده تر، برنامه ای در این زمینه در دست دارید؟

● کارهای زیادی باید صورت بگیرد. هرگاه ما موفق به عملی می شویم، افقهای زیادی در مقابلمان پدیدار می شود و دانش ما را افزون می کند، به گونه ای که خود را نمی توانیم به چیز کمی محدود نماییم. پس هرگاه که موفق به انجام دادن کاری می شویم، بابهای جدیدی پیش روی ما باز می شود. ما کارهای زیادی پیش رو داریم و مهم ترین کاری که باید فعلاً بدان پردازیم، نشر گنجینه های موجود و در دسترس مردم قراردادن آنها و از معرض اضمحلال خارج ساختن آنهاست. این اولاً و در وهله دوم ما می خواهیم این فرهنگ خاص را با برنامه های خاصی حفظ نماییم. فهرست و شماره گذاری و تهیه میکروفیلم از جمله این امور است. گنجاندن فهرست کتب خطی موجود خودمان در کتابخانه های واتیکان، اروپا و دیگر کتابخانه های جهانی دیگر ضمن برنامه های معین یکی از برنامه های ماست؛ به گونه ای که نویسندگان و پژوهشگران به راحتی بتوانند مطالب مورد نظر خویش را از میان نسخ مخطوط استخراج نمایند.



این یکی از مهم ترین برنامه های ماست .

ما الان برنامه معینی برای شروع به تدوین موسوعه حدیثی و غیره نداریم . و دلیل آن کمبود امکاناتی است که ما را در این راه مساعدت نماید .

**سوال :** چگونگی آشنایی علمای زیدیه را با مؤلفات شیعه دوازده امامی و احادیث مکتوب ایشان بیان کنید . آیا آنها این مؤلفات را می شناسند ؟

● دستیابی به کتابهای شیعه دوازده امامی برای بسیاری از علمای زیدی و جوانان و مردان و عموم مردم مشکل نبوده ، بلکه امری سهل است و تقریباً قبل از آنکه ما بسیاری از کتابهای خویش را منتشر کنیم ، در مشترکات به فرهنگ امامیه اعتماد می نمودیم . دهها مجموعه از کتابهای امامیه ، مانند الغدير علامه امینی ، اعیان الشیعة ، در رجال ، المراجعات و الذریعة برای آن که بتوانیم بعضی از چیزها را در حجم بالایی از آنها استخراج کنیم ، مورد اعتماد ما بود کتابهای ما قبل از اتحاد دو یمن به صورت محدود منتشر می گردید و کتابهای منتشر شده حجم بالایی را شامل نمی شد . بنابراین ، برای جبران این کمبود به کتابهای امامیه رجوع می کردیم . میان ما و امامیه مشترکات زیادی وجود دارد ، خصوصاً در آنچه به فضایل و کرامتهای اهل بیت مربوط می شود .

**سوال :** به نظر شما مشترکات امامیه و زیدیه کدام است ؟ شما به یکی از مشترکات که مسئله فضایل اهل بیت بود اشاره نمودید . آیا ممکن است به سایر مشترکات اشاره کنید ، خصوصاً مشترکاتی در مسئله حدیث ؟

● مسائل بسیاری بین ما مشترك است ؟ در اصول ، توحید ، عدل و در مسائل بسیاری عقیده یکسان داریم ؛ نفی تجسیم و تشبیه و رویه و ... همچنین در غیر



مسائل عقیدتی، یعنی در احکام فقهی نیز اختلاف زیادی مشاهده نمی‌شود، مگر در مسائل مشخصی و در نقاط محدودی. نیز مشکل و مانعی در راه کوشش برای وحدت وجود ندارد و نیز در راه کوشش برای تقریب بین دو مذهب امامیه و زیدیه. نقاط اختلاف اساسی نیز وجود دارد که در حال حاضر نیازی به پرداختن به آنها نیست.

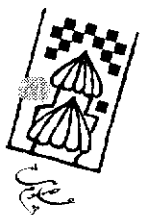
**سوال:** از آنجا که شما علاقه مند به ائمه امامیه هستید، آیا روایاتی از امامانی که جزء ائمه شما محسوب نمی‌شوند در تراث شما وجود دارد. آیا ممکن است روایاتی یافت شود که در عراق و ایران به دست ما نرسیده است و نزد شما باقی مانده باشد. آیا این احادیث در گنجینه‌هایی که بعداً منتشر می‌شود یافت می‌گردد؟

● من معتقدم تمامی آنچه در این رابطه رسیده، نزد شما موجود باشد و شما با آنها آشنا باشید. فهرست مخطوطات کتابخانه‌ها الان فراوان است. حتی الان فهرست کتب کتابخانه عمومی الجامع الکبیر و کتابخانه‌های غربی در دسترس شماست. ما اگر بخواهیم به نشر کتابهای منتشر نشده خود پردازیم، لازم است از سوی جمهوری اسلامی مساعدت شویم یا اینکه با همکاری یکی از مؤسسات فرهنگی، مثلاً کتابخانه آیة‌الله مرعشی به این مهم مبادرت ورزیم.

جز آنچه در فهرس مخطوطات آمده، چیزی نزد ما نیست.

به بیان واضح‌تر باید گفت که هیچ کتابی از کتابهای ما وجود ندارد، مگر آنکه احادیثی از امام صادق (ع)، امام باقر (ع) و دیگران در آن موجود باشد. اگر بخواهید احادیث امامیه‌ای را که از طریق زیدیه وارد شده جمع‌آوری نمایید، باید مجموعه‌ای سامان دهید.





عجمی: مذهب زیدیه در آغاز پیدایش آن مذهبی سیاسی بود.

در حال حاضر رابطه این مذهب با سیاست چگونه است؟

● این مذهب، مذهبی سیاسی است و همواره سیاسی بوده و سیاسی خواهد بود. شما آگاه هستید که زیدیه پیشرو در جهاد و انقلاب علیه ظلم و عصیانگری در طول تاریخ بوده است.

زیدیان بر دوش کشیدن این پرچم را در طول تاریخ ادامه داده و همواره در جهاد بوده اند. اگر روزی این پرچم از دست کسی بیفتد، دیگری آن را برداشته و - إن شاء الله - همواره چنین خواهد بود.

عجمی: آیا بعد سیاسی مذهب زیدیه مانع از پرداختن امامان

زیدی به فعالیتهای علمی نشده است، با توجه به آنکه آنها درگیر جنگ و جهادهایی بوده اند؟

● امامان زیدی، امامان علم و عمل بوده اند. هیچ امامی از امامان زیدی نیست، مگر آنکه از وی دهها رساله و تالیف در علوم مختلف بر جای مانده باشد، به عنوان مثال امام یحیی بن حمزه کتاب الانتصار در فقه را در بیست جلد تالیف نموده است. وقتی که این کتاب را مطالعه می کنی، درمی یابی که در حال حاضر تالیف آن ممکن نیست، مگر از سوی مؤسسات بزرگ. در مؤسسات شما - که در آنها بالغ بر دویست نفر مشغول به کارند - تولیدشان یک کتاب است، در حالی که یک شخص واحد موسوعه ای بیست جلدی را تالیف کرده است، افزودن بر آنکه این کتاب فقط بخش کوچکی از مؤلفات اوست.

اغلب امامان زیدی در یمن ائمه علم و جهاد بوده اند. آنها امام نمی شدند، مگر آنکه به درجه بالایی در اجتهاد و علم رسیده باشند. شرط علمی از شروطی است که باید ائمه حایز آن باشند.

و در درجه دوم باید گفت که علم و تلاش علمی از تلاش سیاسی جدا نیست



و تلاش سیاسی تلاش علمی این امامان را تحت تأثیر قرار نمی دهد و تضعیف نمی نماید. دلیل آن نیز دهها و صدها و هزاران تالیف است که در کتابخانه های مختلف در جای جای دنیا از ایشان برجای مانده است.

عصمت: سخن شما صحیح است؛ اما در قرنهای اخیر می بینیم که این بعد امامان زیدی رو به ضعف نهاده است؛ مثلاً پس از امام قاسم بن محمد شهاری در دو قرن اخیر ما از امامان زیدی کتاب و فعالیت های علمی چشمگیری مشاهده نمی کنیم. آیا این مطلب صحیح است یا اینکه فعالیت هایی وجود داشته و ما از آنها آگاه نیستیم؟

● بعضی از تالیفات یافت می شود و برخی از ایشان کتاب نوشته اند و به نوشتن اشتغال نداشته اند. برخی از ایشان مثلاً به تدریس یا به جهاد و عمل مشغول بوده اند و اما از جهت نوشتاری چیزی ننوخته اند.

این مطلب تازگی ندارد و مخصوص دوره اخیر نیست، در دوره های بسیاری این اتفاق افتاده است. چه بسا از ابتدای قرن سوم و چهارم امامانی وجود داشته باشند که کتابی ننوخته باشند و امامانی باشند که کتابهای فراوانی تالیف نموده باشند. این مطلب مربوط به این قرن یا این زمان بخصوص نیست.

عصمت: شما در قبال فعالیتها و تلاشهای خاورشناسانی که در دوران اخیر و در قرن گذشته به یمن روی آورده اند، چه اقدامی به عمل آورده اید؟ می دانیم که مسند الامام زید بن علی اولین بار در ایتالیا و توسط گرفینی به چاپ رسید. این اولین چاپ مسند بود؛ همچنان که تلاشهای دیگری از



سوی خاورشناسان به چشم می خورد. آنها تلاش می نمایند تا به فرهنگ شما و فرهنگ زیدی نزدیک شوند. شما به عنوان یک پژوهشگر و دانشمند زیدی چه اقدامی نموده اید؟

● خاورشناسان به یمن و سایر سرزمینها برای مقاصد خاصی آمدند. برخی به انگیزه صرفاً علمی آمدند و برخی برای مقاصد غیر علمی و نامشروع به سرزمینهای شرقی وارد شدند. آمدند تا فرهنگ ما را به تاراج ببرند. آمدند تا با افکار و نظریات ما آشنا شوند و تلاش کنند تا سیاستشان را بر پایه شناخت حقیقی ما بنا کنند. مقاصد آنها در اکثر اوقات، مقاصدی فقط علمی نبود. بسیاری از خاورشناسانی که به یمن آمدند، فرهنگ ما را به تاراج بردند. آنها را از گنجینه های خود و از مناطق شناخته شده و از مراکز علم خارج ساخته و به بهایی اندک خریدند و برخی دزدیدند و به یغما بردند.

بنگرید به کتابخانه امپروزیانا که یک خاورشناس بیشتر از دو هزار نسخه خطی را از یمن خارج ساخته و در آنجا جای داده است. وجود دهها و هزارها نسخه مخطوط در جای جای دنیا نشان از این سرقتها دارد؛ در برلین، در موزه بریتانیا و در کتابخانه های دیگر، حتی در استرالیا و هند همه آنها نتیجه سرقت و به یغما بردن آنها و یا هرچه بنامیم است. این خاورشناسان مقاصدشان فقط علمی نبود، مگر در بعضی از حالات نادر.

عربی: بهتر است برگردیم به سخنی درباره همکاریهای بین جمهوری اسلامی و یمن، خصوصاً در دوران اخیر که بسیاری از مخطوطات یمنی به چاپ رسیده، علی الخصوص آنچه مربوط به حدیث است؛ مانند مناقب امیرالمؤمنین که توسط علامه شیخ محمدباقر محمودی



تحقیق شده و محاسن الازهار حمید بن احمد محلی که باز توسط ایشان تحقیق شده است. همچنین از سوی مرکز (ما) مرکز تحقیقات دارالحدیث) بعضی از کتب ترائی شما مانند المراتب ابی القاسم بستی به چاپ رسیده است. این کارها را چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا نظری در این رابطه دارید؟

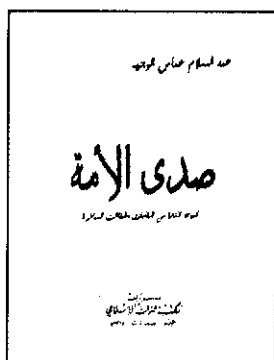
● از تلاش شما باید سپاسگزاری نمود. من بسیار خوشحال می شوم هر وقت می بینم که کتابی از کتابهای ما تحقیق، چاپ و منتشر شده است و ناراحت می شوم آن گاه که می بینم بر یکی از کتابها اضافاتی که حیثاً با متن کتاب یا سیاق کتاب و هدف مؤلف ناهمخوان است افزوده می شود.

هر گاه یکی از کتب زیدیه تحقیق می شود و محقق نظر خویش را مثلاً درباره مسح پا در وضو یا نظرش را درباره قیاس ابراز می دارد و به زیدیه انتقاد روا می دارد و چنین و چنان می گوید، نمی دانم آیا باید به آن تحقیق گفت یا دخالت.

تحقیق همواره باید برای خدا باشد و باید در خدمت متن باشد، نه اعتراضی بر متن. بعضی از محققان را می بینیم که مثلاً به تحقیق کتابی در امامت می پردازند و از طرح بعضی از تعلیقاتی که مستقیماً با هدف نویسنده کتاب یا نص کتاب یا سیاق کتاب در تعارض است دریغ نمی ورزند، البته همه محققان را نمی گویم.

من از برادران محقق می خواهم که از این تراش مراقبت و مواظبت نمایند و امانت داری کند و آرای مذهبی خویش و عقاید خود را در متن و یا در حاشیه نیز آیند تا عمل آنها در نظر ما با ارزش و ثمربخش باشد و این تلاشها را در شکلی صحیح و درخور ببینیم.

باید از تلاش علامه شیخ محمدباقر محمودی قدردانی کرد. وقتی که کتاب مناقب امیرالمؤمنین به دست ما رسید مسرور شدیم، مسرتی که با هیچ



شادمانی دیگر مساوی نبود و نیز از تحقیق عمیق، دقیق و منصفانه وی خوشحال شدیم.

تحقیق این کتاب با تحقیق کتاب محاسن الازهار تفاوت دارد. نمی دانم چرا ایشان در محاسن الازهار حرص افزودن تعلیقه داشته است. همچنین در المراتب ابی القاسم البستی.

کتابهای زیبای دیگری نیز وجود دارد که ارشاد المؤمنین إلی نهج البلاغه یکی از آنهاست، هر چند نمونه ای از تعلیقاتی که گفتیم بدان افزوده شده است.

کتابهای دیگری نیز هست که درباره زیدیه نوشته شده است و به شناسایی امام زید بن علی پرداخته است. ما درباره برخی از آنها نظر داریم. برخی از آنها در تلاش است که ما را از زیدی بودنمان جدا سازد و تلاش می کند تا ما را در اصول به معتزله منسوب بدارد و در فروع به ابی حنیفه و از شستن پا در وضو و قیاس منع نماید و ما را از زیدی بودن خارج سازد.

من به همه کسانی که درباره زیدیه کتاب می نویسند توصیه می کنم که از مبادی و منابع اصیل زیدیه استفاده نمایند. و برای شناخت شخصیت زیدیه به کتابها و اصولی که این گروه قبول دارد مراجعه نمایند تا اینکه نوشتارشان سرشار از مطالب صحیح گردد و در نوشتن درباره این موضوع به آنچه دیگران درباره زیدیه نوشته اند اعتماد نکنند.

این آن چیزی بود که من می خواستم بگویم. از حسن ظن شما نسبت به خود متشکرم. من طلبه ای کوچک هستم و سرمایه ام اندک است. امیدوارم که سخنانم برای شما مفید بوده باشد.